

# خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۱۹ تیر ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۱۵ - شماره مسلسل ۶۲

## کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری  
Coordinating Committee to  
Form Workers Organization

در این شماره:

- ۲ فراخوان اتحاد فعالان جنبش کارگری برای متشکل کردن طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری
- ۴ انفجار لوله گاز در ایران خودرو و زخمی شدن ده ها کارگر
- ۴ ضرب و شتم و مجروح شدن ۸ کارگر توسط نیروی سرکوب
- ۴ تجربه تصرف و اداره یک کارخانه دیگر به دست کارگران
- ۵ اعتصاب کارگران کشت و صنعت هفت تپه
- ۵ اجتماع اعتراضی رانندگان کامیون در ایرانشهر
- ۵ فراخوان مادران کشتگان راه پیمایی های اعتراضی اخیر
- ۶ جدال کارگران با نیروی سرکوب دولتی در محمودآباد کرج
- ۶ آرمگاه کشتگان اخیر تهاجم سرمایه گل باران شد
- ۶ مردم، خود حکومت‌اند
- ۹ دو هفته از اعتصاب کارگران و ایگان گذشت
- ۹ برگ دیگری در کارنامه سیاه کارگرکشی دولت سرمایه
- ۹ قطع بیمه بیکاری کارگر به جرم این که پدرش خودرو دارد!!



مشور مطالبات پایه امی طبقه کارگر ایران را بخوانید صفحه ۱۱

## فراخوان اتحاد فعالان جنبش کارگری برای متشکل کردن طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری

۱- آنچه در چند هفته اخیر در خیابان های شهرهای ایران جریان داشت فقط نوک کوه یخ عظیم اعتراض و خشم و عصبانی است که ۳۰ سال است در وجود انسان های اسیر استثمار و استبداد و توحش سرمایه بر روی هم تلنبار شده است. انتخابات و حوادث پس از آن فقط محملی برای بروز چشمه ای از این دنیای ستمگشی ها و بی حقوقی ها بود. پناه بردن ناگزیر این جنبش به زیر پرچم جناح اصلاح طلب سرمایه داری ذره ای در این واقعیت تغییر نمی دهد که این حرکت شوری است از آتشی که در اثر دیکتاتوری هار و لجام گسیخته سرمایه شعله ور شده و جامعه را وارد مرحله سیاسی جدیدی کرده است.

۲- برمتن بحران سیاسی جاری، فشار بر سطح معیشت کارگران از گذشته بسی بیشتر خواهد شد. بحران اقتصادی جاری ارکان بازتولید کل سرمایه اجتماعی را تا همین جا متزلزل کرده است و در آینده متزلزل تر خواهد کرد. انبوه معضلات اقتصادی ناشی از رویدادهای این مدت، امواج بحران را بیش از پیش گسترش خواهد داد و دامنه تأثیر آن بر شرایط ارزش افزایی سرمایه ها را وسیع تر و متلاطم تر خواهد ساخت. تناقضات و بین بست های کهنه برنامه ریزی های دولت سرمایه داری برای تداوم بقای نظم اقتصادی و اجتماعی موجود بازم به طور قطع حادث می شود. صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری برای حفظ سودهای کلان ناگزیر به سطح معیشت و هست و نیست توده های کارگر بیش از پیش یورش می برند و فشار بر شانه طبقه کارگر از همه سو بیشتر خواهد شد. این وضع ناگزیر مقاومت و طغیان طبقه کارگر - حتی در همین حالت سازمان نیافته و پراکنده و درمانده - را بازم گسترده تر خواهد کرد.

۳- قدرت سیاسی سرمایه حتی در قیاس با همین یک ماه پیش در سطح جامعه و در فضای زندگی و افکار و نگاه عمومی مردم به صورت رژیومی در مانده و مستاصل که برای پیشبرد امور خود چاره ای جز خون ریزی و تکیه بر سرنیزه ندارد ظاهر خواهد شد. امروز دیگر فقط کارگران نیستند که هر لحظه حیات دولت سرمایه داری را مصیبتی عظیم برای زندگی خود می بینند. حتی بخش هایی از طبقه سرمایه دار و نمایندگان سیاسی آنان نیز این دولت را فاقد مشروعیت می دانند و آرایش و اصلاح آن را شرط حتمی ماندگاری نظام سرمایه داری تلقی می کنند. این امر به رغم تداوم بسیار فزاینده و رشد یابنده سرکوب و اعمال قهر، به هر حال در کنار همه مؤلفه های دیگری که گفتیم به توده های کارگر فرصت می دهد تا با جسارتی بیشتر از گذشته مطالبات خود را طرح کنند. اقتدار و قدر قدرتی دولت سرمایه شکاف برداشته است و این شکاف راه مبارزه کارگران با سرمایه داری را کم و بیش هموارتر خواهد کرد.

۴- اصلاح طلبان به دنبال قطعی شدن شکست شان در مرحله کنونی، برنامه ریزی و اجرای شگردهای تازه برای سوار شدن بر موج ناراضی و اعتراض مردم، هدایت سبیل خشم و اعتراض انسان های ناراضی به بیراهه اصلاح طلبی و بهره گیری از قدرت این سیل نیرومند به نفع تحکیم پایه های قدرت خویش را ادامه خواهند داد. پیداست که دولت نیز برای سرکوب این مبارزات دوره تازه ای را آغاز خواهد کرد. اصلاح طلبان در طی همین چند روز اخیر با صدور اطلاعیه های مختلف اعلام کرده اند که میدان های تازه ای را برای تداوم کشمکش مسالمت آمیز و به قول خودشان قانونی علیه دولت باز می کنند و دولت با نیروهای نظامی و امنیتی و انتظامی آن نیز تصریح کرده است که هر گونه مخالفت و اعتراض را با شدت بیشتری سرکوب خواهد کرد. این جدال ناگزیر شکاف بین دو جناح را بیش از پیش خواهد کرد که خود به سود طبقه کارگر است، زیرا دولت سرمایه را به میزان قابل توجهی تضعیف می کند.

۵- دولت سرمایه داری در سطح بین المللی بسیار بیشتر از گذشته آماج فشار رقبا و باج خواهی ها قرار خواهد گرفت و در مراودات خود با دولت های دیگر سرمایه داری موقعیتی متزلزل تر از پیش خواهد داشت. حتی شرکای نزدیکش از نوع روسیه و چین باج های بسیار عظیم تری را از او مطالبه خواهند کرد. در مبادلات اقتصادی خود با بازار جهانی سرمایه اسیر وضعیتی بسیار دشوارتر می شود. هزینه سرمایه گذاری و بازتولید روند انباشت سرمایه به گونه ای چشمگیر بالاتر می رود. دایره افزایش بی مهار سودها و دستیابی به نرخ سودهای کلان و مطلوب ناگزیر تنگ تر می گردد. همه این امور به نوبه خود روند بازتولید سرمایه اجتماعی را زیر فشار جدی قرار می دهد. دولت سرمایه کل این فشار را بکراست به زندگی توده های کارگر منتقل خواهد کرد و این امر بازم زمینه های مادی گسترش امواج اعتراض و عصبان طبقه کارگر را فراهم تر خواهد ساخت. وقوع این رویدادها در همان حال بخش های مختلف طبقه سرمایه دار، جناح های درون و حاشیه قدرت سیاسی و دولتمردان نظام بردگی مزدی را بیشتر به جان هم خواهد انداخت.

۶- مؤلفه های بالا همراه با بسیاری داده های سیاسی و عوامل اجتماعی دیگر در مجموع نشان می دهند که توفان اعتراض و ناراضی کنونی از وزیدن باز نخواهد ایستاد و در پیچ و خم مجاری خاصی که البته از همه سو با نیروی قهر و سرکوب دولت سرمایه مواجه می شود همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد. اما این توفان با تمام قدرت ویرانگری خودانگیخته اش متأسفانه هیچ نشانی از جنبش خودآگاه طبقاتی توده های کارگر علیه سرمایه ندارد و زیر رهبری جناح اصلاح طلب سرمایه داری قرار دارد. یک شانس بسیار بزرگ اصلاح طلبان همین سطح نازل، فرومانده و فاقد هر نوع استخوان بندی کارگری و ضد سرمایه داری جنبش اعتراضی جاری است. همان گونه که انقلاب سال ۱۳۵۷ نشان داد، تا زمانی که این جنبش زیر رهبری جناحی از طبقه سرمایه دار است جز تثبیت و تحکیم نظام سرمایه داری در شکلی دیگر به هیچ نتیجه دیگری نخواهد انجامید. شرط پیروزی طبقه کارگر بر نظام سرمایه داری یا دست کم عقب راندن و تضعیف آن در شرایط کنونی حضور مستقل، خودآگاهانه و سازمان یافته این طبقه در جنبش جاری است.

۷- طبقه کارگر علیه کل نظام سرمایه داری و تمام جناح ها و بخش های طبقه سرمایه دار و دولت آن به یکسان مبارزه می کند. اما لزوم تمرکز حمله برای تحمیل بیشترین مطالبات کارگران بر کل نظام سرمایه داری در عین حفظ استقلال طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی ایجاب می کند که جنبش کارگری در شرایط کنونی از یک سو نوک تیز مبارزه آگاهانه و سازمان یافته خود را روی کل قدرت سیاسی حاکم بگذارد و، از سوی دیگر، جناح مغضوب اصلاح طلب سرمایه داری را بیرحمانه افشا کند. افشای جناح اصلاح طلب به عنوان بخشی از طبقه سرمایه دار که با ایجاد توهم اصلاح سرمایه داری ایران و برقراری سرمایه داری دموکراتیک در واقع به کارگران آدرس غلط می دهد و آن ها را پی نخود سیاه می فرستد ضرورت قطعی و بی چون و چرای موفقیت و پیشرفت جنبش کارگری در اوضاع کنونی است.

۸- گردهم آمدن حداکثر جمعیت طبقه کارگر برای مبارزه با سرمایه داری و لزوم ارتقای توان مادی و فکری آن برای مبارزه در جهت الغای نظام بردگی مزدی ایجاب می کند که این طبقه مبارزه سازمان یافته و آگاهانه را از مطالبات پایه ای خویش آغاز کند. ما این مطالبات را در سند « منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران » اعلام کرده ایم. با این همه، امکان تکمیل و اصلاح این مطالبات را منتفی نمی دانیم، مشروط بر آن که جوهر و خمیرمایه ضد سرمایه داری آن ها محفوظ بماند.

بر اساس نکات بالا، ما تمام فعالان جنبش ضدسرمایه داری طبقه کارگر را حول محورهای زیر به اتحاد برای متشکل کردن طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری فرامی خوانیم:

الف - توافق حول مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران، که به ضمیمه این فراخوان آمده است.

ب - تلاش سازمانیافته برای ایجاد شوراهای ضدسرمایه داری طبقه کارگر در محل های کار و زیست کارگران.

ج - برنامه ریزی متحدانه راه اندازی اعتصاب در همه مراکز کار و تولید.

د - تدارک سازمانیافته تصرف کارخانه های تعطیل شده و در معرض تعطیل.

ه - شرکت سازمانیافته در جنبش جاری با هدف ایجاد صف مستقل کارگران برای تحقق مطالبات پایه ای طبقه کارگر.

و - به کارگیری و تلفیق راهکارهای فوق و سازوکارهای دیگر برای اعمال قدرت سازمانیافته کارگری علیه سرمایه.

### کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

### کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۱ تیر ۱۳۸۸

۹- تحقق مطالبات پایه ای کارگران و تحمیل آن ها بر دولت سرمایه داری حاکم درگرو قدرت سازمانیافته طبقه کارگر است و این قدرت نیز در شرایط کنونی هیچ معنایی جز متشکل شدن کارگران در شوراهای ضدسرمایه داری ندارد. اما هدف شوراهای کارگری و پیوند سراسری آن ها در قالب «شورای سراسری طبقه کارگر ایران» صرفاً تحقق مطالبات پایه ای این طبقه نیست. شرط اساسی موفقیت راهکارهای تصرف کارخانه و اعتصاب سراسری و به طور کلی هرگونه مبارزه طبقه کارگر برای الغای رابطه اجتماعی سرمایه از جمله کسب قدرت سیاسی، وجود شوراهای ضدسرمایه داری این طبقه است.

۱۰- راهکار شرکت مستقل، فعال و سازمانیافته کارگران در جنبش جاری در راستا و در پیوند با تداوم و ارتقای مبارزه کارگران در عرصه هایی است که تا پیش از پیدایش این جنبش عرصه های اصلی مبارزه طبقه کارگر ایران بوده اند. این عرصه ها به طور کلی عبارتند از عرصه مبارزه با بیکارسازی در کارخانه های تعطیل شده و در معرض تعطیل و عرصه مبارزه با شکل های مختلف تشدید استثمار در مراکز دایر کار و تولید. راهکارهای پیشنهادی ما در عرصه نخست تصرف کارخانه های تعطیل شده و در معرض تعطیل و در عرصه دوم اعتصاب است. ما همچنان بر صحت این راهکارها و به ویژه بر سراسری کردن آن ها در شرایط کنونی پای می فشاریم.

### ضمیمه:

### مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

۱- دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.

۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.

۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.

۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.

۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.

۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.

۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.

۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:

- زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده و قوانین کفبری با مردان حقوق برابر داشته باشند.

- هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.

- ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.

- هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.

- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت

۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.

۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.

۳- کارخانگی بایدازمیان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.

۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.

۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.

۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.

۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداقل تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.

۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.

۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:

- از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.

گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.

۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.

۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

## انفجار لوله گاز در ایران خودرو و زخمی شدن ده ها کارگر

روز جمعه ۱۳ تیر شرکت ایران خودرو تعطیل بود اما شماری از کارگران اجبار داشتند که در روز تعطیل هم کار کنند. در این روز انفجار مهیبی در کارخانه شمالی شرکت روی داد که بر اثر آن ده ها کارگر جراحات سخت برداشتند و حال یکی از آنان بسیار وخیم گزارش شده است. انفجار بر اثر ترکیدن لوله گاز در هنگام جوشکاری اتفاق افتاده و شدت و قدرت موج آن در حدی بوده که بخشی از رستوران شرکت را به میزان زیادی ویران کرده است. علت اصلی وقوع سانحه را باید در حرص و آز بی عنان

صاحبان سرمایه برای دستیابی به سودهای انبوه تر جستجو کرد. آنان با هدف بهره گیری از نیروی کار شبه رایگان و امتناع از پرداخت حق ناچیز بیمه، در روز تعطیل عده ای از کارگران فاقد مهارت و آموزش را مجبور به کار کرده اند. این کارگران نه فقط تجربه کاری لازم را نداشته اند بلکه بالاترین فشار کار را نیز تحمل می کرده اند. آنان وسایل ایمنی لازم نیز در اختیار نداشته اند. کارفرمایان حتی به یک ریال دستمزد کمتر به کارگران و در نتیجه سود سرشارتر خود فکر کرده بودند اما کوچک

ترین توجهی به جان کارگران نکرده بودند. جمعی از کارگران ایران خودرو ضمن انتشار اطلاعیه و اعلام این خبر مراتب تأثر خویش از وقوع حادثه و همدردی عمیق خود با همزنجیران کارگر مصدوم خویش را ابراز کرده اند.

منبع: خودروکار

۱۷ تیر ۸۸

## ضرب و شتم و مجروح شدن ۸ کارگر توسط نیروی سرکوب

کارگران کوره پزخانه های شبستر همچنان به اعتصاب ادامه می دهند. آنان بیش از ۱۷ روز است که دست از کار کشیده اند و بر ادامه اعتصاب تا دستیابی به مطالبات خویش پای می فشارند. کارگران خواستار افزایش دستمزد و انعقاد قراردادهای جدید کار هستند. تقاضای افزایش حقوق کارگران طبق قانون سرمایه با مقاومت هار سرمایه دار و تهاجم وحشیانه نیروی سرکوب مواجه شده است. نیروی

انتظامی سرمایه تا حال چندین بار به صفوف کارگران معترض پورش برده اما قادر به درهم شکستن مقاومت آنان نشده است. در روزهای اخیر کارگران با اجتماع خویش عبور و مرور کامیون های حمل بار به محیط کارگاه ها را متوقف ساخته و از هر نوع حمل آجر به مراکز فروش جلوگیری کرده اند. این اقدام کارگران خشم سرمایه دار و نیروهای اهریمنی سرکوب را شعله ورتز کرده است. سرکوبگران با

بیرحمی و شقاوت خاص خود به اجتماع توده های کارگر حمله کرده و ۸ کارگر را در زیر ضربات مشت و لگد و باتوم و تفنگ مجروح ساخته اند.

منبع: آژانس ایران خبر

۱۷ تیر ۸۸

## تجربه تصرف و اداره یک کارخانه دیگر به دست کارگران

حتی فروش تمام سرمایه کارخانه نمی تواند بدهی این کلاه برداران حرفه ای را به ما که این جا کار می کردیم و بدون پرداخت هیچ گونه غرامتی به خیابان پرت مان کردند پرداخت کند و جبران نماید.

به همین دلیل کارگران اخراج شده از فیلویل - فیاتکس، حالا تعاونی نساجی کیلمس با مسئولیت محدود را تشکیل می دهیم، یعنی ما خودمان که جلوی تخلیه کامل کارخانه را گرفتیم و درهای این کارخانه را باز کردیم تا تمام کارگران با هم چرخ های ماشین آلات را به حرکت در آوریم، اما این بار تحت کنترل خود کارگران.

علت این است که ما کارگران برای آن که کارمان را انجام بدهیم نه به کنترل نیازی داریم، نه به حکم تعلیق، و نه به کم کردن دستمزدها. ما کسانی بودیم که هر روز این کارخانه را به حرکت درآوردیم، و ما همان کسانی خواهیم بود که از این به بعد آن را فعال نگه خواهیم داشت.

به همین دلیل درهای این پروژه به روی تمام کارگران مرد و زن فیلویل، فیاتکس، فیلویل باز است. برای آن که محل کارمان را حفظ کنیم و نان سر

**انجا که کارگران کارخانه را تصرف و اداره می کنند:**

### اولین روز کنترل کارگری

اطلاعیه مطبوعاتی کارگران فیلویل - فیاتکس، در شهر کیلمس، آرژانتین

۱۲ فوریه - اولین روز کنترل کارگری

تاریخ کارخانه دراز است، تاریخ تقلب دراز است.

اول اسمش را فیلویل گذاشتند، بعد فیاتکس، وقتی خواستند کلاه برداری تحت نام فیلویت یا فیلویل ادامه یابد، به آنان گفتیم دیگر بس است.

صدها کارگر به دست فالینب، فیرچی و شرکای دوره ای شان استثمار شدید و کلاه سرمان رفت. میزان بدهی سر به میلیون ها میزند و قول های وفا نشده بسیاریند.

Eduardo Santillán: 1558841567

Miguel Bejarano: 1535757805

Alberto Mena: 1532136024

Filobel-Febatex: Rodolfo López 1706 (Quilmes Oeste)

prensafebatex@gmail.com

سفرهء فرزندانمان ببریم به همه نیاز داریم، از فروشنده و ماشین کار گرفته، تا دفتردار.

ما کارگران این روز را به عنوان اولین روزی که در آن ماشین های کارخانه بدون ارباب به کار می افتند، به تصویب رساندیم.

همهء کارگران وارد شوند!

تعاونی نساجی کیلمس با مسئولیت محدود

(فیلوبل - فیاتکس سابق)

ترجمه بهرام قدیمی

منبع:

<http://trabajadoresdefebatex.blogspot.com/2009/02/12-de-febrero-primer-dia-de-gestion.html>

آدرس تماس:

Comunicado de prensa de los trabajadores de Filobel-Febatex, del 12 de febrero - Primer día de gestión obrera. En pers por Bahram Ghadimi

توضیح: به جای واژه «اشغال»، که مترجم محترم به کار برده است، ما از کلمه «تصرف» استفاده کرده ایم - کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری.

## اعتصاب کارگران کشت و صنعت هفت تپه

مطابق معمول با مقاومت هار و شدید سرمایه داران دولتی کارخانه مواجه شده است. کارگران به همین دلیل تصمیم به اعتصاب گرفتند. آنان با تعطیل کارگاه ها در مقابل دفتر مدیرعامل سرمایه اجتماع کردند و بر لزوم قبول خواست خویش پای فشردند. اعتصاب ۳ ساعت به طول انجامید. اما بدون دستیابی به هیچ نتیجه مشخصی پایان یافت.

منبع: ندانیوز

۱۵ تیر ۸۸

روز اخیر وزش توفان گرد و خاک بخش وسیعی از خاور میانه و بیش از همه مناطقی مانند کشور عراق و جنوب و غرب و نواحی مرکزی ایران و از همه این ها حادثه همین منطقه کشت و صنعت هفت تپه را در کام خود فرو برده است. در چنین شرایطی هر لحظه کار در کارخانه نیشکر عملاً لحظه ای و گامی در استقبال از حوادث مرگ آور و تن دادن به خطر مرگ است. کارگران به باز بودن کارخانه در این روزها و اجبار به کار در دل این شرایط اعتراض کرده و خواستار تعطیل شرکت تا بهبود شرایط جوی هستند. اعتراض کارگران

کارگران کشت و صنعت هفت تپه در صبح روز یکشنبه چهاردهم تیرماه دست از کار کشیدند و چرخ تولید را در همه بخش ها از گردش بازداشتند. علت اقدام کارگران به اعتصاب شدت کم سابقه وخامت شرایط کار و احتمال وقوع مخاطرات جانی بسیار مهلک در دل این شرایط برای آنان است. گرمای هوا در استان خوزستان و منطقه استقرار کشت و صنعت هفت تپه به سطح مرگبار و از همه لحاظ غیرقابل تحمل رسیده است. میزان رطوبت هوا بیش از حد سهمگین است و از همه هولناک تر و کشنده تر این که در طول چند

## اجتماع اعتراضی رانندگان کامیون در ايرانشهر

رؤسای این اتحادیه با دولت و سرمایه داران را محکوم کردند.

منبع: ندانیوز

۱۵ تیر ۸۸

کردند و دست به اعتراض زدند. رانندگان فریاد می زدند که معضل سهمیه سوخت و سایر اقدامات دولت میزان عایدات آن ها در مقابل روزانه کار طولانی را بسیار کاهش داده است. آنان خواستار تغییر این وضعیت شدند و تبنای

شمار زیادی از رانندگان کامیون های حمل کالا از بنادر جنوبی کشور به کارخانه ها و مراکز فروش در مناطق مختلف در اعتراض به شرایط کار و سطح عایدات روزانه خویش در مقابل دفتر و دستک موسوم به اتحادیه صنفی تجمع

## فراخوان مادران کشتگان راه پیمایی های اعتراضی اخیر

پارک لاله و تا اطمینان به مجازات قاتلان فرزندان مان، در روزهای شنبه هر هفته از ساعت ۷ تا ۸ بعدازظهر در پارک لاله و دیگر پارک ها به سوگ می نشینیم.

آدرس پارک ها:

- پارک لاله - بلوار کشاورز، نیش کارگر
- پارک اندیشه - شریعتی نرسیده به پل سیدخندان
- پارک ملت - خیابان ولی عصر
- پارک گفتگو - گیشا

مادران!

سیاهچال شدند. عده ای سخت زخمی گردیدند و به بیمارستان ها منتقل شدند. در یک کلام، همه دستگیر و مصدوم و مجروح شدند. نیروی سرکوب به همه این جنایات دست زد. اما مادران از پای ننشستند و دست از مقاومت برنداشتند. آنان بلافاصله یک فراخوان صادر کردند و از همگان خواستند تا به مبارزه و مقاومت آن ها بپیوندند. فحواى این فراخوان به شرح زیر است:

« ما تا پایان دادن به خشونت ها، تا آزادی کلیه زندانیان سیاسی به ویژه مادران دستگیر شده در

در روز ششم تیرماه ۸۸ مادران عزاداری که فرزندان آنان در حوادث روزها و هفته های اخیر در شهرهای مختلف و از جمله تهران هدف گلوله سرکوبگران مزدور نظام سرمایه داری قرار گرفته است تلاش کردند تا در پارک لاله تهران دور هم جمع شوند. آنان می خواستند از این طریق فریاد خشم و عصبانیت و قهر خویش علیه سببیت و شقاوت و درنده خویی نظام بردگی مزدی را به گوش ساکنان ایران و جهان برسانند. اجتماع مادران عزادار در آن روز با هجوم مزدوران سرمایه مواجه شد. بسیاری از این مادران دستگیر و راهی

مادران عزادار «

منبع: ندانیوز (نقل به اختصار)

۱۵ تیر ۸۸

همبستگی تان را با مادران عزادار و انسان های حق طلب و معترض با حضور در این پارک ها نشان دهید.

و عده ما شنبه ۱۳ تیرماه در پارک های لاله ، اندیشه ، ملت و گفتگو

حس مادری مان ما را به دادخواهی از خون فرزندانمان و خواست آزادی فرزندان دربندمان واداشته است. از همه شما دعوت می کنیم با حضورتان در گوشه و کنار پارک های مذکور به این حرکت خودجوش مادرانه بپیوندید. اعتراض تان را نسبت به دولتمردان و

## جدال کارگران با نیروی سرکوب دولتی در محمودآباد کرج

دارد. منطقه محمودآباد کرج از جمله مناطقی است که از سال ها پیش تا امروز شاهد وقوع این جدال ها بوده است. کارگران می سازند و نیروهای بسیج سرمایه ویران می کنند. کارگران دار و ندار خود را برای برپایی سرپناه مسکونی هزینه می کنند و عوامل دولت ادامه کار کارگران را به پرداخت باج های سنگین موکول می کنند. این وضع ماه ها دوام داشته است. اما در روزهای اخیر و به دنبال حوادث خونین هفته های اخیر، توده های کارگر ناراضی تصمیم به مقاومت جدی تر می گیرند. آنان بر جسارت خود می افزایند و به مقابله با اشرار سرمایه برمی خیزند. در روز جمعه دوازدهم تیرماه، بسیجی های موتور سوار پس از اقامه نماز جمعه، برای گرفتن باج به کارگران حمله می کنند و می کوشند تا در صورت خودداری کارگران از پرداخت باج آلودگی های آنان را ویران کنند. اما هجوم بسیجی ها این بار با مقاومت شجاعانه کارگران رو به رو می شود، آن گونه که مهاجمان از ترس جان خویش وحشت زده و سراسیمه حتی موتورهای خود را رها می کنند و پا به فرار می گذارند.

منبع: ندانیوز

۱۳ تیر ۸۸

سرمایه، کارگرانی که بهای شبه رایگان نیروی کارشان کفاف نان روزمره خانواده هایشان را نمی داده است، کارگرانی که زیر شلاق توحش سرمایه قادر به اجاره یک اتاقک محقر در بدترین محله های مسکونی تهران و سایر شهرها نبوده اند، آری این کارگران در شب های تیره به دنبال دو شیفت کار روزانه تلاش می کرده اند تا با حمل آجر و سنگ و سیمان و گچ سرپناهی برای سکونت خانواده های خود بر پاسازند. تلاش و تقلا و جانفشانی این کارگران همه جا با وحشیانه ترین تهاجم های نیروی سرکوب مواجه بوده است. بولدوزورهای شهرداری ها صبح هر روز حاصل کار شبانه این کارگران را ویران می کردند، یورش بیشرمانه ای که بی درنگ با مقاومت وسیع و جمعی زنان و فرزندان توده های کارگر رو به رو می گردید و در بسیاری موارد درهم شکسته می شد.

این شهرک ها این گونه برپا شده اند و هر آجر و تیر آهن و هر مشت سیمان و گچ و سنگ دیوارهایشان یادگار مقاومتی خونین از سوی بردگان مزدی سرمایه در مقابل سفاکی ها و شرارت های طبقه سرمایه دار و نظام سرمایه داری و عمال دولتی سرمایه است. این مقاومت ها و جنگ و ستیزهای خونین که در سال های استیلائی رژیم سلطنتی سرمایه بسیار حد و گسترده بوده است، در دوران کنونی نیز ادامه

جنگ و ستیز کارگران با نیروی سرکوب دولت سرمایه در مناطق خارج از محدوده شهرهای بزرگ با هدف برپایی آلودگی های محقر مسکونی و نجات از پرداخت اجاره بهای هولناک خانه، یکی از عرصه های همیشه گشوده مبارزه طبقاتی توده های کارگر ایران در طول ۴۰ سال اخیر بوده است. بسیاری از شهرک ها و یا حتی شهرهای اطراف تهران یا نواحی دارای چند ده هزار سکنه مجاور شهرهای بزرگ یادگار زنده، تاریخی، گویا و بسیار پرحدیث همین جنگ و ستیزها هستند. در پای خانه های زیادی از این شهرک ها که امروز بعضاً محل سکونت خیل عظیم بردگان مزدی هستند چه بسا کارگری به خون غلغیده و کشته یا مجروح شده، یا مورد ضرب و شتم و هتاک قرار گرفته، یا دستگیر و زندانی شده است. هر کدام از این شهرها شاهد مقاومت های دسته جمعی پرشور و حماسی کارگران عاصی و خشمگینی بوده است که با اراده ای مصمم برای دفع تهاجم نیروی سرکوب سرمایه و برای ممانعت از تخریب وحشیانه آلودگی هایشان تا پای جان مبارزه کرده اند. یافت آبادها، خاک سفیدها، شمیران نواها، افسریه ها، زورآبادها و فراوان نواحی دیگر همه این گونه بر پا شده اند و هر کدامشان گوشه های بسیار درس آموزی از تاریخ مبارزه طبقاتی نسل های قبل و حاضر توده های کارگر را نشان می دهند. در همه این مناطق کارگران گرسنه عاصی از فشار استثمار

## آرامگاه کشتگان اخیر تهاجم سرمایه گل باران شد

به رغم تهدیدها و اقدامات سرکوبگرانه نیروهای امنیتی سرمایه تا ساعت هفت و نیم شب ادامه یافت. منبع: ندانیوز

۱۳ تیر ۸۸

بنابه گزارش های رسیده از بهشت زهراي تهران، هزاران نفر از مردم شهر در روز جمعه ۱۲ تیرماه ۱۳۸۸ در آرامگاه کشته شدگان حادثه هفته های اخیر حضور یافتند و ضمن ادای احترام آنجا را گل باران کردند. این مراسم

## مردم، خود حکومتانند

"اگر نمیخواهید دربارهی سرمایه‌داری حرفی بزنید، پس باید در مورد فاشیسم سکوت کنید"

مفاهیم عالی بشری مانند "آزادی" از طریق کلی‌گویی دربارهی این مفاهیم است بدون آن که به جنبه‌های مختلف آن بپردازد و ضمانت‌های اجرایی آن را برای تمامی بشر بیان کند. در واقع سیاست لیبرال-دموکراسی در قبال این گونه مفاهیم عبارت است از ابهام‌گرایی و فرمان منع تفکر دربارهی آنان که

آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی برای اکثریت افرادی که دربارهی آن فکر نکرده‌اند، دارای معانی واحدی هستند. این نکته به ویژه در دستگاه فکری لیبرالیسم که خود را مدافع راستین "آزادی" در تمام شئون اجتماعی اعلام می‌کند صادق است. از مشخصه‌های اصلی این نظام به استحاله کساندن

برابر رسانه‌های عظیم و فراگیري که به این امر مشغولند، هیچ رسانه‌ی فراگیري وجود ندارد تا بتوان ماهیت این گونه تبلیغات مزورانه را آشکار کرد.

- ثانیاً: برابری سیاسی در دموکراسی پارلمانی بورژوازی، صرفاً یک برابری صوری است، و نه یک برابری واقعی. ثروتمند و تهی‌دست، هر دو به طور صوری از "حق" یکسانی در تأسیس روزنامه - که هزینه اداره آن بسیار هنگفت است - برخوردار هستند. همچنین هر دو به طور صوری دارای "حق" یکسانی در خرید برنامه‌ی تلویزیونی هستند و از امکان یکسانی به منظور نفوذ گذاردن بر توده‌های رأی‌دهنده برخوردار می‌باشند. اما از آنجا که کاربرد عملی این حقوق مستلزم دسترسی به منابع مالی سرشار است، فقط ثروتمندان می‌توانند کاملاً از آن برخوردار باشند. سرمایه‌داران خواهند توانست که روزنامه، ایستگاه‌های رادیویی و برنامه‌های تلویزیونی را بخرند. سرمایه‌داران از طریق وزنه‌ای که سرمایه‌ی اعمال می‌کند، نمایندگان پارلمان و حکومت‌های پارلمانی را تحت "کنترل" دارند. اساساً دولتی که بر اساس پارلمانتاریسم بورژوازی استوار است، روح و جسمش به وسیله زنجیره‌ی وابستگی‌های مالی و "دیون ملی" متصل به سرمایه است. هیچ حکومت بورژوازی نمی‌تواند بدون درخواست دائمی برای اعتبار - که تحت کنترل بانک‌ها، سرمایه‌ی مالی و بورژوازی بزرگ است - حکومت نماید.

- سرانجام، حتی اگر کسی این خصوصیت‌های محدود کننده دموکراسی بورژوازی را نادیده بگیرد و به غلط فرض کند که این یک دموکراسی کامل است، هنوز هم این واقعیت که این دموکراسی یک دموکراسی سیاسی است، به قوت خود باقی می‌ماند. برابری سیاسی ثروتمند و فقیر - که خود بسیار دور از واقعیت است - اگر همراه با نابرابری فزاینده عظیم و دائمی اقتصادی و اجتماعی باشد، چه فایده‌ای دارد؟ حتی اگر ثروتمندان و تهی‌دستان دقیقاً از حقوق سیاسی یکسانی هم برخوردار می‌بودند، هنوز هم ثروتمند قدرت اقتصادی و اجتماعی عظیمی داشت که فقیر فاقد آن بود. قدرتی که لاجرم فقیر را در زندگی روزمره، که خود شامل راه‌های کاربرد عملی حقوق سیاسی است، تحت انقیاد غنی قرار می‌دهد.

- هر گاه به نقش سرکوبگر دولتی که بر پایه‌ی دموکراسی پارلمانی بورژوازی بنا شده است نظری بیفکنیم، ماهیت طبقاتی آن به بهترین وجهی آشکار می‌شود. هم‌هی ما می‌دانیم که تعداد زیادی از مناقشات اجتماعی وجود دارد، که در آن پلیس و ارتش به منظور در هم شکستن اعتصابات، متفرق کردن کارگران، پراکندن تظاهرات، تخلیه کارخانجات اشغال شده توسط کارگران و آتش گشودن بر اعتصاب کنندگان در این مناقشات دخالت کرده‌اند. ولی حتی یک مورد هم سراغ نداریم که در آن پلیس و یا ارتش بورژوازی اقدام به دستگیری کارفرمایانی کنند که کارگران را از کارخانه اخراج کرده‌اند، و یا در اشغال کارخانه‌هایی که توسط سرمایه‌داران بسته شده است به کارگران کمک کنند، یا سرمایه‌داری را که هم باعث افزایش هزینه زندگی می‌شود و هم برای فرار از پرداخت مالیات دوز و کلک‌های گوناگون سر هم می‌کند، به گلوله بسته باشد.

توجیه کنندگان نظام دموکراسی بورژوازی به ما پاسخ خواهند داد که کارگران در تمام موارد فوق به "قانون شکنی" پرداخته و "نظم عمومی" را که نیروهای سرکوب باید از آن دفاع کنند، به مخاطره انداخته‌اند. جواب خواهیم داد که این نکته خود اثبات می‌کند که "قانون" بی‌طرف نیست، بلکه قانونی بورژوازی است، که حافظ مالکیت سرمایه‌داری است، که نیروهای سرکوب به تمامی در خدمت این مالکیت هستند، که آن‌ها بر حسب این که کارگران مرتکب نقض رسمی همین "قانون بورژوازی" شده‌اند یا سرمایه‌داران، بسیار متفاوت رفتار می‌کنند، و اضافه می‌کنیم که هیچ چیز بهتر از این خصوصیت اساساً بورژوازی دولت را تأیید نمی‌کند. دستگاه‌های زور و سرکوب در شرایط عادی نقش درجه دومی در ابقای نظام سرمایه‌داری ایفا می‌کنند، زیرا در زندگی روزمره این نظام توسط اکثریت عظیمی از طبقه کارگر عملاً

کارکرد عملی آن دگرذیسی این مفاهیم بر ضد خودشان و در خدمت نظام سرمایه‌ی می‌باشد. این دگرذیسی با چنان تبلیغات پر طمطراقی همراه است که طی آن، کاهش آزادی در قالب سپیددم آزادی‌های نو به جامعه عرضه می‌شود.

مع‌الوصف، اگر چه آزادی‌های سیاسی را به ظاهر می‌توان آن چنان تعریف کرد که آزادی گروهی، دلالت بر بردگی دیگران نکند، لیکن در مورد آزادی اقتصادی مسئله این چنین نیست. اندکی تأمل نشان می‌دهد که بیشتر جوانب این "آزادی اقتصادی" عملاً بر پایه‌ی عدم تساوی است، و به خودی خود به معنای محروم کردن اکثریت عظیم جامعه از امکان برخورداری از این آزادی است.

آزادی خرید و فروش بردگان دلالت بر آن دارد که جامعه به دو گروه بردگان و برده‌داران تقسیم شده است. آزادی تصاحب ابزار تولید به عنوان اموال خصوصی نشانگر وجود یک طبقه‌ی اجتماعی است که بنا بر جبر اقتصادی ملزم به فروش نیروی کار خویش به صاحبان ابزار تولید است. اگر کسی مجبور به کار کردن برای منافع دیگران نبود، در آن صورت صاحبان کارخانجات چه می‌کردند؟

شالوده‌ی کل آرای بورژوازی دفاع از مالکیت خصوصی و منافع طبقه‌ی سرمایه‌دار است و نه دفاع پیگیر از اصول آزادی. آن چه در لوی آراء بورژوازی نهفته، نه اصل حقوق مساوی برای تمام شهروندان است و نه اصل تضمین آزادی برای همه؛ بلکه دفاع از ثروت و حق ثروتمند شدن از طریق استثمار نیروی کار است. اگر به درستی به نمودهای گوناگون آزادی اقتصادی در نظام بورژوازی بنگریم خواهیم دید که در تمام آن‌ها کارکرد این آزادی برای تمامی بشریت یکسان نمی‌باشد؛ برای عده‌ی قلیل جامعه یعنی سرمایه‌داران عبارت است از آزادی تصاحب حاصل دسترنج اکثریت عظیم جامعه یعنی طبقه‌ی کارگر و در طرف مقابل، برای طبقه‌ی کارگر و زحمتکش این آزادی معنای دیگری جز فروش نیروی کار خود به کمترین بها ندارد بی آن که حتی مطمئن باشد مشتری لازم را همیشه خواهد داشت!

نظام پارلمانتاریستی بورژوازی اساساً بر پایه حفظ این نوع از آزادی بنا شده است و عبارات پر طمطراق، کلی و مبهم آن در باب آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و دیگر مفاهیم انسانی نیز در واقع جز رنگ و لعاب ظاهری برای پنهان کردن نابرابری‌های پایه‌ی موجود در این نظام نیست. حتی در پیشرفته‌ترین دولت‌های بورژوا دموکراتیک، مردم تحت ستم در هر مرحله با تضادهایی مواجه هستند. تضادی میان برابری ظاهری که دموکراسی‌های سرمایه‌داری بیان می‌کنند و هزاران محدودیت واقعی و نامرئی که کارگران را به بردگان مزدبگیر تبدیل می‌کند. لذا برای ریشه‌کن کردن این نظام نابرابر باید جنبه‌های گوناگون ضد بشری پیشرفته‌ترین دموکراسی‌های سرمایه‌داری را برای توده‌های مردم تشریح کرد و چهره‌ی عریان آن را به نمایش گذاشت. در این نوشتار سعی خواهد شد تا به برخی از آنان اشاره شود، و خطوطی از آن چه که باید به سمت آن پیش رفت ترسیم شود؛ خطوطی که برای تبدیل شدن به طرحی کامل نیاز به بحث‌هایی مفصل و پراتیک عملی دارد.

- اولاً: دموکراسی پارلمانی بورژوازی، دموکراسی غیر مستقیم است که در آن چند نفر در سطوح بالا و چند هزار نفر در بخش‌های گوناگون انتخاب می‌شوند و در اداره امور دولت و جامعه شرکت می‌کنند (افراد از قبیل رئیس جمهور، رئیس مجلس، شهرداران، اعضای شورای شهر و ...) و اکثریت قریب به اتفاق افراد کشور از این حق محروم هستند. اعمال قدرت آنان بر نمایندگان خویش محدود به انداختن یک برگ رأی در رأس هر چهار یا پنج سال می‌باشد. در روزهای انتخابات غوغایی از تبلیغات سیاسی با شعارهای قدیمی به پا می‌شود که همه پر از وعده‌های تازه است و چنان فضای جامعه را آکنده می‌کند، که در پس گرد و غبار مسموم ایجاد شده قضاوت انتقادی برای توده‌ها ناممکن می‌شود. به این مطلب باید افزود که در

برابری در مقابل قانون، می‌کوشند کارگران را متقاعد کنند که از قدرت چشم‌پوشند و به ادغام سازمان‌های خود در داخل مجموعه دولتی راضی شوند و سلسله مراتب را بپذیرند و طرح بنای چنین سیاستی به گونه‌ای ریخته شده که حکومت مردمی، حکومت مردم نباشد.

کارگران آگاه و عناصر پیش‌تاز طبقه‌ی کارگر برای جایگزین کردن دولت کارگری به جای دولت بورژوازی که حتی در دموکراتیک‌ترین شکل خود همواره دیکتاتور بورژوازی باقی می‌ماند، مبارزه می‌کنند. و این دولت کارگری از طریق گسترش و بسط مؤثر و نه تهدید آزادی‌های دموکراتیک برای توده‌های زحمتکش مشخص می‌شود. دولت کارگری دموکراتیک‌تر از دولت‌هایی است که بر پایه‌ی دموکراسی پارلمانی بنا شده‌اند، چرا که دموکراسی مستقیم را گسترش می‌دهد. دولت کارگری، آن‌چنان دولتی است که از بدو پیدایش شروع به زوال می‌کند و تمام فعالیت‌های اجتماعی (از قبیل آموزش، بهداشت، فرهنگ، ارتباطات و...) را به عهده "خود مدیری" و "خود اداری" مردم قرار می‌دهد. دولت کارگری، توده‌های زحمتکش را در شوراهای کارگری به گرد هم می‌آورد، شوراهایی که به اعمال مستقیم قدرت خواهند پرداخت، و خط فاصل مصنوعی مابین قدرت اجرایی و قدرت مقننه را از میان برمی‌دارند. آن‌جا که فرد با رأی مجموعه دمساز می‌شود، دیگر حکومتی - به دروغ - مردمی بر فراز سر مردم نیست، بلکه : مردم، خود حکومت‌اند.

پیشتر گفتیم که دموکراسی بورژوازی به حیات اقتصادی توده‌ی مردم توجهی ندارد، و از آن‌جا که برابری اقتصادی پایه مادی و ضامن حقوق برابر در جامعه است، لفاظی‌های این نظام نیز چیزی جز ظاهرسازی عوام فریبانه نمی‌باشد. در حالی که دموکراسی شوراهای، برعکس، دموکراسی حقیقی است زیرا معیشت همه تولیدکنندگان را که چنان صاحبان در تأمین منافع حیات خویش، برابره با یکدیگر همکاری دارند، تضمین می‌کند. بیهوده است که برای تأمین مشارکت عملی همگان در تصمیم‌گیری‌ها منتظر تصویب قوانین و فرامین باشیم. برابری واقعی در این زمینه هنگامی عملاً میسر است که کار، در تمام شکل‌هایش توسط خود کارگران و زحمتکشان جامعه سازمان یابد. در این صورت انگل‌ها که هیچ سهمی در تولید ندارند، خود به خود از هر نوع دخالت در تصمیم‌گیری‌ها کنار گذاشته خواهند شد، و این نیز نشانه فقدان دموکراسی نخواهد بود چرا که دلیل این حذف نه شخص‌شان، بلکه نقش آنان در تولید است.

از آن جایی که شوراهای کارگری پایه‌های مادی لازم جهت اعمال آزادی‌های دموکراتیک را برای همگان فراهم خواهد آورد، می‌توانند به صورت واقعی آزادی را برای عموم جامعه بسط و گسترش دهند. مطبوعات، ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون، تالارهای گردهم‌آیی، همگی به مالکیت اشتراکی در آمده و در دسترس تمام گروه‌های کارگری و اقشار زحمتکش که مایل به استفاده از آن باشند قرار خواهد گرفت. شوراهای کارگری از حق تأسیس سازمان‌ها و احزاب گوناگون سیاسی، از جمله احزاب مخالف، حق تأسیس مطبوعات مخالف، حق اقلیت‌های سیاسی و دیگر اندیشان در روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون با سرسختی دفاع خواهند کرد.

و برای رسیدن به این برابری کامل و برتر، کارگران و توده‌های زحمتکش باید به این باور و آگاهی دست یابند که بشریت زحمتکش برای هدایت خود و فعالیت‌هایش به هیچ حکومتی غیر از حکومت خودش نیاز ندارد.

### سعید کیوان

تیرماه ۸۸

مورد قبول قرار گرفته است. لیکن در يك دوران بحرانی، یعنی دورانی که نظام سرمایه‌داری عمیقاً آسیب دیده است و دورانی که توده‌های زحمتکش امیال خود را مبنی بر سرنگونی این نظام ابراز می‌دارند، و یا در دورانی که خود این نظام دیگر نمی‌تواند به طریق معمول از عهده‌ی وظایفش بر آید، در چنین دورانی (صرف‌نظر از این که بحران دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و یا مالی باشد)، اوضاع به گونه‌ای دیگر است. آن‌گاه است که سرکوب و اختناق به جبهه مقدم صحنه سیاسی گام می‌نهد، در چنین هنگامی است که سرشت بنیادی دولت بورژوازی، به سرعت شکل‌گیری و چهره‌ی واقعی خود را بروز می‌دهد؛ هیئت‌ی از افراد مسلح و سرکوبگر در خدمت سرمایه. بدین ترتیب قانونی تعمیم یافته در تاریخ جوامع طبقاتی تأیید می‌شود: هر چه جامعه با ثبات‌تر باشد، به همان اندازه بیشتر قادر به تحمل تجمل اعطای آزادی‌های صوری گوناگون به توده‌ی تحت ستم است، و هر چه جامعه در اثر بحران‌های ژرف متزلزل‌تر و ناپایدارتر باشد، حاکمیت سرمایه پایه‌های قدرت سیاسی خود را می‌بایست هر چه بیشتر از طریق خشونت و ارعاب اعمال کند تا از طریق نطق‌های شیوا.

نکته‌ای که در این‌جا باید اضافه شود آن است که طبقه‌ی حاکم برای مؤثر افتادن تلاش‌هایش در جهت از هم پاشیدن و درهم کوبیدن مبارزات طبقه‌ی کارگر، نمی‌تواند تنها به دستگاه زور و سرکوب سنتی خود (ارتش، پلیس، قضات) اتکاف کند، بل که باید بتواند به ارتش‌های خصوصی که از لایه‌ی توده‌ی دیگری برخاسته‌اند توسل جوید. یعنی ارتش خرده بورژوازی فقرزده، که از يك طرف در نتیجه بحران‌ها و تورم مستأصل شده است و در حال ریزش به طبقه‌ی کارگر و پرولتاریا می‌باشد، ولی به خاطر ناتوانی جنبش کارگری در ارائه اقدامات تهاجمی و متهورانه و ضد سرمایه‌داری و ارائه‌ی بدیل معتبر و کوتاه مدت در مقابل بحران‌های سرمایه‌داری، از این جنبش بیگانه شده‌اند. و در طرف مقابل دستگاه سرکوب سرمایه‌داری که از شرایط این فشر آگاه است با دادن تسهیلات و شرایط خاص به این گروه و امانده آن‌ها را در دستجات شبه‌نظامی بسیج می‌کند تا در هنگام مقتضی به صفوف کارگران و توده مردم معترض یورش برده و آن‌ها را سرکوب کنند، و نکته این که دستگاه سرکوب سرمایه برای شانه خالی کردن از جنایت‌های خود، اغلب خشن‌ترین برخوردها را بر عهده‌ی این گروه لباس شخصی وامی‌نهد.

- سؤالی که همواره مطرح بوده، این است که برای از بین بردن نابرابری‌های موجود در دموکراسی پارلمانی، چه باید کرد؟

کل تاریخ قرن بیستم تأیید می‌کند که به کار گرفتن مؤثر پارلمان بورژوا و حکومتی که بر اساس مالکیت سرمایه‌داری و دولت بورژوازی است، علیه بورژوازی و نابرابری‌های آن، غیرممکن است. هر سیاستی که بکوشد از مشی ضد سرمایه‌داری مؤثری پیروی کند فوراً بر سر دو راهی قرار خواهد گرفت: یعنی یا باید تسلیم باج‌سبیل خواهی قدرت سرمایه شود، یا دستگاه‌های دولت بورژوازی را درهم شکنند و روابط مالکیت سرمایه‌داری را براندازد و مالکیت جمعی بر وسایل تولید را جایگزین آن سازد.

بورژوازی و حاکمیت وابسته به آن نیز دقیقاً از همین ضربه خوردن به پاشنه‌ی آشیل خود است که هراس دارد، یعنی کسب قدرت توسط خود طبقه کارگر. پس از منظر آنان لازم است در لوی دموکراسی پارلمانی بورژوازی تدابیری اندیشیده شود که از دموکراسی "سوء استفاده" نشود. آنان این اعتقاد را در توده‌های استثمار شده ایجاد می‌کنند که ورقه رأی آن‌ها عامل تعیین سرنوشت آنان است چندان که اگر از سرنوشت خویش ناراضی باشند، فقط خود را مقصر بدانند که چرا به فلان یا بهمان کس رأی داده‌اند! دموکراسی پارلمانی وسیله و ابزار مناسبی است در خدمت بورژوازی، برای متقاعد کردن توده‌ها به از دست دادن قدرت. با استناد به برابری صوری، یعنی

## دو هفته از اعتصاب کارگران و ایگان گذشت

سازند و برای این کار راه خروج اتوموبیل های حمل آجر را بستند. اعتصاب در صورت تداوم به زودی وارد هفته سوم خود می شود و کارگران مصمم هستند که تا دستیابی به نتیجه مطلوب از شروع کار خودداری کنند.

۱۱ تیر ۸۸

حمایت از وی و قلع و قمع اعتصاب توده های کارگر وارد میدان شده است. در طول این هفته صاحب کوره پزخانه و نهادهای دولتی به طور متحد و همدست به هر توطئه ای علیه اعتصاب کارگران دست زده اند. اما این ترفندها همه جا با مقاومت بسیار جدی اعتصاب کنندگان رو به رو شده است. کارگران در روز هفتم تیر در اجتماع جمعی خویش تصمیم گرفتند که حمل آجر از کارخانه به مراکز مختلف را متوقف

کارگران کوره های آجرپزی و ایگان در شبستر همچنان به اعتصاب خویش ادامه می دهند. ۴۰۰۰ کارگر دو هفته است که دست از کار کشیده اند و بر افزایش حقوق خویش و انعقاد قرارداد جدید دستمزد اصرار می ورزند. کارگران خواستار تعیین میزان حقوق بر اساس ۱۲ تومان برای هر خشت هستند. این خواست با مخالفت سرمایه دار مواجه شده است. نیروی سرکوب دولت سرمایه نیز مطابق معمول برای

## برگ دیگری در کارنامه سیاه کارگرکشی دولت سرمایه

جنایت را سخت محکوم می کنیم و خواستار دستگیری و مجازات قاتلان او هستیم.

منبع: آژانس ایران خبر

۱۱ تیر ۸۸

کار و استثمار شدن توسط سرمایه هدف تیراندازی مزدوران واقع می شود. گلوله اشراک سرمایه به سر او اصابت می کند. ما این فاجعه دردناک را به افراد خانواده اش و به همه کارگران همزنجیرش تسلیت می گوئیم. خود را در غم مرگ او شریک می دانیم. ارتکاب این

بر اساس خبرهای دریافتی، حسین زاغی راننده شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، در روز چهارشنبه ساعت ۸ صبح در پارک - سوار بیبهقی که محل کار او بوده است هدف گلوله سرکوبگران دولت سرمایه داری قرار می گیرد و در دم جان می سپارد. حسین زاغی در حین

## قطع بیمه بیکاری کارگر به جرم این که پدرش خودرو دارد!

هم روزی روزگاری این خودرو را قرض گیرد و مسافرکشی کند پس شاغل است و حق بیمه بیکاری به وی تعلق نمی گیرد!!

گفتیم که نظام سرمایه داری به طور کلی در تمامی تار و پود خود دنیای کارگرکشی و شرارت و وحشیگری علیه بردگان مزدی است. اما جهنم سرمایه داری ایران به راستی حدیث دیگری دارد، به طوری که مثلا یک کارگر ساکن لوکزامبورگ، نروژ، سوئد، یا سایر ممالک اروپای غربی و شمالی اصلا نمی تواند بفهمد که چه رابطه ای میان گرامت بیکاری مهدی با خودرو پدر وی وجود دارد؟! و چرا دومی باید دلیل کافی و جامع برای قطع اولی شود؟!

اما ماجرا به اینجا ختم نمی شود. پدر مهدی وقتی که حادثه را می شنود و هنگامی که شاهد خراب شدن آوار عظیم شقاوت و بیرحمی دولت سرمایه داری بر سر فرزندش می شود سخت احساس عذاب وجدان می کند، احساس عمیق عذاب وجدان در مقابل فرزندش که این گونه آماج هارترین و درنده ترین و بیشرمانه ترین تهاجمات بی مهار سرمایه و دولت سرمایه داران قرار گرفته است. او خودرو خویش را می فروشد تا شاید دستاویز شوم و سیاه و کتیف مزدوران سرمایه برای گرسنه کردن فرزندش را خنثی کند. پدر مهدی این کار را انجام می

موافقت دست اندرکاران این نهاد را برای پرداخت حق بیمه بیکاری بسیار ناچیز خویش به دست آورد. تا اینجا را داشته باشید. به سراغ پدر مهدی می رویم. او یک خودرو قراضه عهد بوقی دارد که زیر فشار فقر و بدبختی و گرسنگی گاه با آن مسافرکشی می کند. پدر مهدی یک روز صبح از فرزندش طلب کمک می کند و از او می خواهد که خودرو قراضه درحال اسقاط را برای تعمیر به کارگاه تعمیر خودرو ببرد. مهدی به یاری پدر می شتابد و خودرو را به تعمیرگاه می برد. اما درست در همین زمان یکی از کارمندان سازمان تأمین اجتماعی به خانه پدر او زنگ می زند و می خواهد که با خود وی صحبت کند. پدر مهدی به اقتضای طبیعت پاک انسانی خود و بدون توجه به این که در آن سوی تلفن یک مزدور نظام سرمایه داری است که در تدارک ضد انسانی ترین ترفندها است پاسخ می دهد که مهدی برای تعمیر خودرو به کارگاه رفته است. مکالمه تلفنی تمام می شود. اما فردای آن روز سازمان تأمین اجتماعی بیمه بیکاری مهدی را قطع می کند!! مهدی هاج و واج و مبهوت و در شرایطی که هیچ ریالی برای امرار معاش خود نداشته است به سازمان مذکور رجوع می کند و علت این کار را می پرسد. جواب مسئولان سازمان بسیار ساده این بوده است که پدر مهدی یک خودرو دارد و از آن جا که ممکن است مهدی

در نظام سرمایه داری هر جنایتی با هر درجه از عمق و عظمت و شدت حادثه ای بسیار عادی، متعارف و همگن با شیرازه حیات این نظام است. آنچه برای سرمایه داران و دولت آن ها از بیخ و بن بیگانه است چشم پوشی از ارتکاب شرارت و توحش است و فقط قدرت پیکار توده های کارگر است که می تواند آنان را مجبور به این چشم پوشی کند. سرمایه داری ایران متأسفانه فشار قدرت توده های کارگر را بر گلوی خود حس نمی کند و درست به همین دلیل حتی در اعماق دوزخ بردگی مزدی هم نقش کارگاه معماری و کوره های ریخته گری را در خلق لحظه لحظه بشرستیزی های جدید و جدیدتر ایفا می کند. به یک نمونه از این ابداعات و مصنوعات نوین کارگرکشی نگاه کنیم.

مهدی کارگر سابق کارخانه فرج البرز در استان قزوین است. او پس از سال ها استثمار شدن و تولید ارزش اضافی و سرمایه برای سرمایه داران صاحب کارخانه بیکار شده است و، به بیان واقعی، مالکان شرکت او را به زور از کارخانه اخراج کرده اند. مهدی با همه وجود تلاش می کند تا شاید در جای دیگری نیروی کار خود را به هر بهای نازلی به فروش برساند. اما موفق نمی شود. او سرانجام به اداره تأمین اجتماعی مراجعه می کند و پس از روزها و ماه ها آمد و رفت و تقلا موفق می شود که

## خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

منبع: گزارش پانید فاضلیان در سایت های  
اینترنتی  
۱۱ تیر ۸۸

است که او را در دالان های تاریک و بی  
انتهای دیوان سالاری کشنده دولتی سر می  
دوانند .

دهد. اما عوامل سرمایه در سازمان تأمین  
اجتماعی برای برقراری مجدد غرامت بیکاری  
مهدی هیچ اقدامی نمی کنند و اینک مدت ها

# از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

## بازدید کنید:

[WWW.HAMAAHANGI.COM](http://WWW.HAMAAHANGI.COM)

اخبار، گزارشات، و مطالب کارگری خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)

## منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کار اضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیزه خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداقل تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:
  - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.
  - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
  - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
  - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.
  - ازدواج با جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
  - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
- ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری**

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

[WWW.HAMAAHANGI.COM](http://WWW.HAMAAHANGI.COM)

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.